

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۳۰ جنوری ۲۰۲۲



یونس نگاه

فارسی- دری

(نه به حذف و نه دیگر به بتراشی)

دیروز در متنی کلمه پوهنخی را استفاده کردم. تعدادی آن را نقد کردند و بحث کوتاهی زیر متن در ارتباط به زبان فارسی-دری جریان یافت. کسانی باور دارند که استفاده از کلمات رسمی که ریشه‌های پشتو دارند در زبان فارسی-دری درست نیست. استدلال‌شان این است که زبان فارسی-دری معادل‌های دیگری با ریشه‌های فارسی برای آن کلمات دارد و لازم نیست از اصطلاحات پشتو استفاده کنیم. مهم‌تر از آن، این کلمات را محصول سیاست‌های فرهنگی دولت‌های قوم‌گرای افغانستان دانسته و مقاومت در برابر آن کلمات را واکنش بحق در برابر سیاست شتون‌یستی حکام فارسی‌ستیز می‌دانند. این دیدگاه طرفدار زیاد دارد و در حکومت‌های کرزی و غنی شاهد درگیری‌های رسمی و غیررسمی بسیار بین آنان و مخالفان‌شان بودیم.

من نیز مخالف سیاست‌های تبعیض‌آمیزم و فارسی‌ستیزی را عامل مهم در شکل‌گیری وضعیت کنونی می‌دانم. اما از درعین حال موافق مقدس‌سازی فارسی نمی‌باشم و دوست دارم کلماتی را که به اجبار یا به‌طور طبیعی در طول سال‌ها از طریق نصاب تعلیمی، رسانه‌ها و گفتار روزمره جذب زبان ما شده‌اند به اجبار رد نکنیم، بلکه بگذاریم زبان مسیر طبیعی تحول خود را سپری کند. درعین‌حال تقلید اصطلاحات اداری ایران برای گروهی از فارسی‌زبانان، از جمله من، جذابیت ندارد و درک معنای برخی اصطلاحات رایج در ایران به‌اندازه اصطلاحاتی که از کودکی با آن‌ها به تدریج آشنا شده‌ایم آسان نیست. اصطلاحاتی چون مکتب، صنف، پوهنتون، شاگرد، پوهنخی، کتابچه، قلم، ورق و امثال‌شان سستی از کلمات آشنا و رایج در افغانستان می‌باشند که تبدیل آن‌ها به اصطلاحات رایج ایران (مدرسه، کلاس، دانشگاه، دانش‌آموز، دانشکده، دفترچه، خودنویس، برگه و...) لازم نیست و استفاده از اصطلاحات رایج در افغانستان بی‌مهری به‌زبان نه، بلکه مهرورزی به آن است.

به‌همین بهانه می‌خواهم تبصره‌ای در ارتباط به اهمیت فارسی در افغانستان و نقش مخرب دو جریان فارسی‌ستیزی و مقدس‌سازی فارسی بنویسم:

زبان فارسی-دری رشته دیرینه و بسیار مؤثر پیوند بین مردم افغانستان است. نقش این زبان در شکل‌گیری هویت مشترک، رابطه ما با جهان، چشیدن قطراتی از دانش بشری و نیز همبستگی ساکنان کشور بسیار مهم بوده است. درک من این است که اگر زبان فارسی-دری نمی‌بود افغانستان با این ویژگی‌هایی که می‌شناسیم به وجود نمی‌آمد. فارسی-دری سرمایه بسیار مهم ساکنان این کشور است. از طریق این زبان، کابل توانسته است در دامنه‌های دورافتاده کوهپایه‌های هیمالیا، گاه چنان بدرخشد که رشک برانگیز شود. فارسی-دری در مقاطع مختلف تاریخی افغان‌ها را در عرصه دیپلماسی و اداره در مقابل هم‌تایان منطقه‌ای‌شان چند پته بالاتر نشانده و دروازه‌های شهرها و کشورها را به‌روی کشورگشایان این سرزمین باز کرده است. بدون فارسی-دری، به احتمال زیاد ما قبایل پراکنده و حاشیه‌ئی گمنام در یکی از کناره‌های شبه‌قاره هند می‌ماندیم.

سقوط توانائی‌های جمعی مردم این سرزمین با سیاست‌های فرهنگی ظالمانه حاکمان کشور پیوند داشته است. امروز که تفرقه و تنش‌های فرهنگی، زبانی و قومی کشور را به پرتگاه کشانده، فارسی-دری و چگونگی برخورد با آن در محور این تشنج هاست. ازین‌رو می‌پندارم که بدون نقش پیوند دهنده فارسی-دری، دوام افغانستان واحد آسان نیست.

با این‌حال فارسی-دری که نشان انگشتان و زبان مردم ما در آن آشکار باشد، با فارسی که متعصبان پان فارسی می‌خواهند تفاوت دارد. فارسی-دری آلوده نشده به سیاست‌بازی‌ها مثل خود ساکنان کشور گلستان است، پر از لهجه‌های متنوع و سرشار از تفاوت‌های ظریف. این فارسی صاحب آغوش بسیار بزرگ است و توانائی جذب و هضم کلمات بسیار از زبان‌های هم‌نشین و همسایه را دارد. چنین فارسی میراث مشترک مردم ماست و نشان انگشت همه ما در آن پیدا می‌باشد. ترک‌ها، پشتون‌ها و دیگر مردم این سرزمین که فارسی را همچو زبان مشترک پذیرفته‌اند رد پای خود را درین زبان مانده‌اند. حتی نشانه‌های از جبری که بر این زبان رفته است نیز چون سُلولی‌اش حفظ خواهد شد. همان‌طوری که نشانه‌های تبر، خشک‌سالی‌ها و سیرابی‌ها بر سُلول‌های ساقه درخت می‌ماند.

تقدس فارسی، انحصار فارسی، و پیوند زدن آن با خون و ژنتیک برخی از ساکنان این سرزمین به‌سود مردم و زبان‌شان نیست. این کار نه درست است و نه مفید. هیچ قوم و قبیله‌ای نمی‌تواند بر این میراث مشترک ادعای مالکیت انحصاری کند.

لطیف پدram یکی از رهبران برتری‌طلبی فارسی است. او برای توجیه برتری فارسی سخنان عجیب و غریب به‌زبان می‌آورد. به یک مورد از سخنان او در اهمیت فارسی توجه کنید. به تاریخ شانزدهم ماه جاری (جنوری دوهزار و بیست و دو) ویدیویی در صفحه فیسبوک منسوب به او نشر شده است. در آن ویدیو، او به‌شیوه‌ای که یک ملای قریه به تمجید بزرگان مذهبی‌اش می‌پردازد، از فارسی سخن می‌گوید. آقای پدram در حوالی دقیقه دهم ویدیو در توصیف شاهنامه می‌گوید:

"شاهنامه فردوسی... در میان همه آثار شعری جهان و حماسه‌ها برصدر قرار دارد. مسلماً قولی‌ست که جملگی برآن‌اند، به سخن معروف و هیچ‌کسی هم با این بحث مخالفت ندارد که در میان آثار حماسی جهان مثل ماهبهاراتا، در میان آثار دیگر، الیاد و اودیسه و غیره و غیره، چه آثار حماسی رومی، المانی و غیره یکی از آثار مهمی است که نسبت به اون آثار به لحاظ اخلاقی، به لحاظ فلسفی، حکمی در صدر قرار دارد".

کسی که نیت تبلیغاتی و سیاسی نداشته باشد، چنین سخنان ملائی به‌زبان نمی‌آورد.

(۱) شاهنامه برصدر آثار شعری جهان قرار داد.

۲) "جملگی برآن اند، به سخن معروف و هیچکسی هم با این بحث مخالفت ندارد". با کدام بحث هیچ کسی مخالفت ندارد؟ این که در میان آثار حماسی جهان هیچ یکی به پای شاهنامه نمی‌رسد!

۳) شاهنامه غیر از شعریت در چه جنبه‌های دیگر نسبت به آثار شعری و حماسی جهان برتر است؟ پدرام می‌گوید در عرصه‌های اخلاقی، فلسفی و حکمی!

می‌بینید که تعصب از آدم چه می‌سازد؟ شاهنامه برای پدرام چیزی شبیه کتاب آسمانی است؛ برصدر تمام آثار شعری جهان، و برتر از تمام آثار حماسی جهان از لحاظ اخلاقی، فلسفی و حکمی! او تأکید دارد که "جملگی برآن اند... و هیچ کسی مخالف این بحث نیست!"

اینان زبان فارسی را وسیله سیاست می‌سازند و با آن چون مذهب برخورد می‌کنند. آنان مدعی‌اند که فارسی زبان مقدس و برتر است؛ و این زبان برتر مالک دارد، حدود و ثغور دارد، پولیس و ترافیک دارد. آنان فارسی را سره ناسره می‌کنند و برخی کلمات را به‌دلایل سیاسی نه زبانی بیگانه تشخیص داده علیه آن سنگر می‌گیرند.

فارسی‌ستیزی و فارسی‌پرستی دو جریان شئونیستی اند. آرزو می‌کنم در آینده تعداد بیشتر تحصیل‌کردگان کشور از غلتیدن به این دو جریان دوری جویند؛ و این زبان را مثل گویندگانش، مردم ما، مهم اما زمینی و نامقدس بدانند. تلاش برای حذف زبان فارسی باعث بربادی کشور می‌گردد، و بت‌تراشی از آن نیز بدبختی می‌آورد.